

دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۸، ارمیا ۲-۳، استعاره ازدواج، خدا و اسرائیل

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در آموزش خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۸، ارمیا ۲-۳، استعاره ازدواج، خدا و اسرائیل است.

تمرکز ما در درس امروز بر فصل دوم ارمیا است و قرار است به موضوع کیفرخواست ارمیا علیه همسر بی‌وفای خدا پردازیم.

در درس فصل اول، دفعه قبل، دیدیم که این متن فقط دعوت ارمیا و آغاز خدمت ارمیا نیست. از بسیاری جهات، این مقدمه‌ای برنامه‌ای بر کل کتاب است. ما ارمیا را به عنوان پیامبری برای ملت‌ها داریم.

او پیام‌آور داوری و نجات است. او ویران می‌کند و می‌سازد. او به تجلی زنده‌ی کلام خدا تبدیل می‌شود.

خدا کلام خود را در دهان او گذاشته است. دشمنی از شمال وجود دارد، همان مضمون بابلی‌ها که خدا از طریق آنها انجام می‌دهد. خداوند قرار است ارمیا را مانند دیوارهای برنزی در یک شهر مستحکم بسازد، زیرا در طول خدمت او درگیری وجود خواهد داشت.

ارمیا در آن فصل آغازین به عنوان پیامبری مانند موسی معرفی می‌شود. موسی می‌گوید، پروردگارا، شخص دیگری را بفرست. من نمی‌دانم چگونه صحبت کنم.

ارمیا می‌گوید، ای خداوند، تو مرا به پیامبری می‌خوانی. من کودکی بیش نیستم. من نمی‌دانم چگونه صحبت کنم.

بنابراین، مضامینی که قرار است در طول کتاب ارمیا خود را نشان دهند، در فصل اول یافت می‌شوند. به یک معنا، ارمیا فصل دوم، آیات اول تا چهارم، اولین واحد از پیام‌های واقعی ارمیا را به ما می‌دهد. از بسیاری جهات، آنها مضامینی را معرفی می‌کنند که، به اعتقاد من، خود را در کل کتاب نشان می‌دهند.

فصل دوم کتاب ارمیا به بررسی از هم پاشیدگی رابطه خدا با اسرائیل می‌پردازد. این رابطه مانند یک ازدواج است. عهد مانند یک ازدواج است و آن رابطه از هم پاشیده است.

بقیه کتاب ارمیا، و به ویژه پیام امیدی که در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ آمده است، قرار است چگونگی احیای آن رابطه را برای ما بیان کند. گاهی اوقات خواندن کتاب ارمیا برای ما دشوار است. باز هم، این کتاب با انواع کتاب‌هایی که ما به خواندن آنها عادت داریم، متفاوت است.

مثل کتاب‌هایی که توی کیندل داریم نیست. حتی خواندن عهد جدید، رساله‌های پولس یا انجیل‌ها هم سخته. اما من به یه معنا معتقدم که اگه کتاب ارمیا رو به عنوان داستانی که با همه این پیام‌ها همراهه درک کنیم، دو چیز توی این داستان خودشون نشون می‌ده.

اولاً، همانطور که اندرو شید به ما یادآوری می‌کند، کتاب ارمیا داستان کلام خداست. این داستان کلام خداست و اینکه چگونه به نظر می‌رسد و چگونه ارائه می‌شود و چگونه در زندگی و زمان ارمیا به آن پاسخ داده شده است. این داستانی است از آنچه کلام خدا به انجام می‌رساند.

کلام خدا قدرتمند است. کلام خدا قوم یهودا را به دلیل نافرمانی‌شان سرنگون می‌کند، اما کلام خداوند به آنها برای آینده نیز امید می‌دهد. بنابراین، این بخشی از نقشه است.

چه اتفاقی برای کلام خدا می‌افتد؟ چه شکلی است؟ چه شکلی است؟ چه کاری انجام می‌دهد؟ اما بخش دیگری از کتاب ارمیا که می‌توانیم تقریباً یک طرح داستانی را در سراسر کتاب تصور کنیم، این است که کتاب ارمیا درباره یهودا به عنوان همسر بی‌وفای خدا و در نهایت، چگونگی بازگرداندن آن رابطه شکسته توسط خداوند است. حال، همانطور که به فصل دوم و سوم کتاب ارمیا نگاه می‌کنیم، این متن، مانند بسیاری از پیامبران و به طور کلی اشعار عهد عتیق، در مورد وجود تعدادی استعاره و تصویر کلامی بسیار قدرتمند صادق است. پیامبران نمی‌خواهند فقط اطلاعات را به ما بدهند.

پیامبران می‌خواهند ما پیامی را که به ما منتقل می‌کنند، حس کنیم. آنها می‌خواهند ما آن احساس را درک کنیم. یکی از چیزهایی که در مورد ارمیا دوست دارم، شور و اشتیاق موعظه‌های اوست.

اما ما صرفاً این اطلاعات را دریافت نمی‌کنیم که بابلی‌ها می‌آیند و قرار است در سال ۵۸۶ اینجا باشند. ما این برداشت را داریم که بابلی‌ها می‌آیند و قرار است یک ملت باستانی باشند که شما حتی نمی‌توانید آنها را شناسایی کنید. آنها شما را از صحنه روزگار محو خواهند کرد.

آنها مانند ملخ‌هایی خواهند بود که سرزمین شما را می‌خورند. آنها مانند شیرها و گرگ‌ها و پلنگ‌ها خواهند بود. همه این تصاویر بر سر ما فرو می‌ریزند.

در فصل دوم، تعدادی استعاره و تصویر داریم که در آنها ارمیا واقعاً به عنوان وکیل مدافع خدا، وظیفه اعلام کیفرخواست خدا علیه آنها را انجام می‌دهد. اتهام از این قرار است. گناهایی که مرتکب شده‌اید از این قرار است.

فقط می‌خواهم به برخی از استعاره‌های کلیدی که هنگام خواندن این فصل به ذهنم خطور می‌کنند اشاره کنم. اما یک استعاره مرکزی وجود دارد که به نظرم همه اینها را به هم پیوند می‌دهد. در فصل دوم، آیه سوم، خداوند می‌گوید که اسرائیل به عنوان یک قوم مانند نوبر محصول بود.

در آیه سوم آمده است که اسرائیل برای خداوند مقدس بود، نوبر محصولات. هر که از آن خورد، مرتکب گناه شد. خداوند می‌گوید: بلا بر ایشان نازل شد.

در شریعت عهد عتیق، نوبر محصولات به خداوند تعلق دارد. آن سهم خدا بود. خداوند درباره اسرائیل می‌گوید که آنها سهم من هستند.

آنها قوم برگزیده من هستند. و در نتیجه، اگر کسی سعی کند به آنها آسیب برساند یا آنها را بخورد یا از آنها تغذیه کند، خداوند آنها را به خاطر این کار نابود خواهد کرد. آنها سهم خدا را لمس می‌کردند.

آنچه در ادامه کتاب مشخص خواهد شد این واقعیت است که خداوند به این ملت‌ها اجازه داده است که وارد شوند و اسرائیل را ویران کنند، زیرا آنها جایگاه خود را به عنوان قوم برگزیده خدا خدشه‌دار کرده‌اند. بنابراین این یک تصویر است، تصویری بسیار قدرتمند در ابتدا. در فصل دوم، آیه سوم، آنها اولین میوه‌های برداشت هستند.

در فصل دوم، آیه ۱۴، تصویر این است که اسرائیل به برده تبدیل شده است. در فصل دوم، آیه ۱۴، یک سوال بلاغی وجود دارد: آیا اسرائیل برده است؟ آیا او یک برده خانگی است؟ چرا او طعمه این ملت‌های

دیگر شده است؟ و بنابراین تصویر این است که اسرائیل به برده تبدیل شده است. آنها در بندگی این ملت‌های دیگر قرار گرفته‌اند.

این موقعیتی نیست که خدا از ابتدا برای آنها در نظر گرفته بود. خداوند آنها را از اسارت نجات داده بود. و بنابراین، نکته غم‌انگیز این بود که با بت پرستی آنها، اسرائیل خود را دوباره به اسارت می‌انداخت.

در فصل دوم، آیه ۲۱، خداوند اسرائیل را به یک تاک برگزیده تشبیه می‌کند. و در آنجا می‌گوید، من شما را در سرزمین موعود کاشتم، همانطور که خداوند می‌گوید، مانند یک تاک برگزیده مقدس از بذر خالص. پس چگونه شما منحط شده و به یک تاک وحشی تبدیل شده‌اید؟ بنابراین، خداوند در ابتدا قوم خود را در آن سرزمین کاشت.

او می‌خواست آنها پربار باشند. او می‌خواست آنها در زندگی خود میوه بیاورند. در عوض، آنها به یک درخت مو وحشی تبدیل شده‌اند، مانند بلوط سمی یا پیچک سمی.

و آنها بی‌فایده هستند. آنها علف‌های هرزی هستند که باید هرس شوند. و آن تصویر اسرائیل به عنوان یک درخت مو در جاهای دیگر عهد عتیق نیز استفاده شده است.

در مزمور ۸۰، خداوند اسرائیل را به عنوان تکی که در زمین کاشته است، به تصویر می‌کشد، اما آن تاک دوباره به او خیانت می‌کند. در فصل پنجم، اشعیا اسرائیل را به عنوان تاکستانی معرفی می‌کند. پیامبر می‌گوید که خداوند انگور خوب می‌خواست، اما در عوض، آنها انگور وحشی و ترش بار آوردند.

به یک معنا، اینجا هم همین تصویر وجود دارد. خداوند اسرائیل را کاشت و هر کاری از دستش بر می‌آمد انجام داد تا مطمئن شود که آنها به تاک‌های پربار تبدیل می‌شوند. در عوض، آنها به تاک‌های وحشی و فاسد تبدیل شده‌اند.

فصل دوم، آیه ۲۲، و فصل دوم، آیه ۳۴، یهودا را به عنوان جنایتکاری که پوشیده از لکه‌های خون است، به تصویر می‌کشد. بنابراین در فصل دوم، آیه ۲۲ می‌خوانیم، اگرچه خود را با قلیا می‌شوید و صابون زیادی استفاده می‌کنید، لکه گناه شما هنوز در مقابل من است، خداوند متعال می‌گوید. آیه ۳۴، همچنین در دامن‌های شما، خون حیات فقیران بی‌گناه یافت می‌شود.

شما آنها را در حال ورود غیرقانونی پیدا نکردید، با این حال، با وجود این چیزها، می‌گویید که من بی‌گناه هستم. و بنابراین، آنها به عنوان افرادی با لکه‌های خون تصویر می‌شوند. بازرسان، حتی بدون نیاز به روشن کردن چراغ بنفش که وجود خون را نشان می‌دهد، می‌توانند خون را در سراسر اسرائیل ببینند.

این ما را به یاد گفته‌های اشعیا نبی در فصل اول، آیات ۱۰ تا ۱۵ می‌اندازد. مردم یهودا دست‌های خود را به سوی خدا بلند می‌کنند و از او التماس و دعا می‌کنند. اما همین که آنها به خدا دعا می‌کنند، خداوند به پایین نگاه می‌کند و لکه‌های خون را می‌بیند.

حالا، مخاطبان ارمیا ممکن بود اعتراض کنند که ما قاتل نیستیم. ما به آن معنا جنایتکار نیستیم. اما اتفاقاً آنها با فقر رفتار کرده بودند، به گونه‌ای که به آنها ظلم کرده بودند، به گونه‌ای که آنها را از معیشتشان محروم کرده بودند، به نوعی، از نظر خدا، همه آنها، چه جنایتکار خشونت‌آمیز بودند و چه نبودند، با گناه گناه خود پوشیده شده بودند.

و این یک تصویر بسیار قدرتمند است. فصل دوم، آیه ۲۳، تمایل اسرائیل به دور شدن از خدا را توصیف می‌کند. در آنجا آمده است: چگونه می‌توانی بگویی که من نجس نیستم؟ من به دنبال بعل‌ها نرفته‌ام.

به راه خود در دره نگاه کن و بدان چه کرده‌ای. تو شتر بجهی بی‌قراری هستی که این طرف و آن طرف می‌دود. بنابراین، خداوند آنها را به بت‌پرستی متهم می‌کند.

آنها می‌گویند ما به دنبال بعل نرفته‌ایم. ما خدایان دیگر را تعقیب نکرده‌ایم. خداوند می‌گوید، به خودت نگاه کن.

تو مثل یک شتر جوان بی‌قرار هستی، فقط یک حیوان که مدام این طرف و آن طرف می‌رود. عقل نداری. کاری که کرده‌ای تو را اساساً به چیزی بیش از یک حیوان وحشی تبدیل نکرده است.

این چیزیه که تو هستی. حالا، تصویر در آیه ۲۴ کمی توهین‌آمیزتر میشه. اینجا استعاره دیگه‌ای هم وجود داره.

او می‌گوید تو یک الاغ وحشی هستی که به بیابان در دوران فحلی عادت دارد و باد را بو می‌کشد. چه کسی می‌تواند شهوت او را مهار کند؟ تو مانند الاغی در دوران فحلی هستی. و همانطور که یک الاغ در دوران فحلی رد ادرار را بو می‌کشد و به دنبال جفت خود می‌گردد، تو مانند یک حیوان وحشی در دوران فحلی هستی که به دنبال این خدایان می‌گردد.

منظورم این است که بت‌پرستی آنها، آنها را تا آن سطح پایین آورده بود. خداوند می‌خواست آنها این را ببینند. و بنابراین ارمیا از این تصویر قدرتمند برای نشان دادن این موضوع استفاده می‌کند.

در فصل دوم، آیه ۲۶، آنها مانند دزدی هستند که در حین ارتکاب جرم دستگیر شده است. فصل دوم، آیه ۲۶، همانطور که یک دزد وقتی دستگیر می‌شود شرمند می‌شود، خاندان اسرائیل نیز شرمند خواهند شد، آنها در حین سرقت و دزدی دستگیر شدند.

و با این حال، در طول این فصل، یکی از چیزهایی که خواهیم دید مردم می‌گویند این است که ما بی‌گناه هستیم. ما خودمان را با این خدایان دیگر آنطور که شما ادعا کرده‌اید، آلوده نکرده‌ایم. و بنابراین این استعاره‌ها، این تصاویر، با ما برخورد می‌کنند و از بسیاری جهات بر ما فرود می‌آیند و سعی می‌کنند به ما کمک کنند تا گناه اسرائیل را ببینیم.

جی. اندرو دیرمن، همانطور که این بخش را توصیف می‌کند، می‌گوید که این احتمالاً گلچینی از پیام‌های ارمیا است، چیزهایی که او در طول مدت طولانی خدمت خود موعظه کرده است. آنها زمینه را برای آنچه در ادامه کتاب می‌بینیم، فراهم می‌کنند، زیرا ارمیا قرار است آنها را به خیانت به عهد متهم کند. اما پیامبر فقط اطلاعات را منتقل نمی‌کند.

او می‌خواهد مردم زشتی گناه خود را ببینند. خداوند به آنها مانند حیوانی در شهوت نگاه می‌کند. خداوند آنها را مانند یک برده تصویر می‌کند.

آنها خودشان در بندگی هستند. خداوند آنها را مانند تاکی فاسد می‌بیند که میوه‌ای را که باید بدهد، نمی‌دهد. خداوند آنها را مانند جنایتکارانی می‌بیند که دستشان به خون آلوده است یا در حین ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند.

و همه این تصاویر برای متقاعد کردن مردم به گناهشان وجود دارند. اما به اعتقاد من، استعاره وحدت‌بخش و تصویر وحدت‌بخشی که در فصل دوم، آیه اول، تا فصل سوم خود را نشان می‌دهد، این است که یهودا همسری بی‌وفا است. و با شکست آنها در عهدشان با خداوند و عدم اطاعت از او، و مهم‌تر از آن در مسئله وفاداری، عدم پرستش انحصاری او و خدمت انحصاری به او، آنها مانند همسری بی‌وفا شده‌اند که خود را فاحشه کرده و مرتکب زنا شده است.

و بنابراین، ما این ایده را داریم که در سراسر عهد عتیق ظاهر می‌شود که بت‌پرستی فقط یک گناه نیست. بت‌پرستی نوعی زنا معنوی است که در آن قوم اسرائیل به خدا به عنوان شوهر خود خیانت کرده‌اند. حال، در فصل‌های دوم و سوم، چندین جا به طور خاص به این رابطه زناشویی اشاره شده است.

در فصل دوم، در همان ابتدای این پیام، پیامبر می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید، من فداکاری دوران جوانی تو را به یاد می‌آورم و اینکه چگونه مرا به عنوان یک عروس دوست داشتی و چگونه در بیابان، در سرزمینی که کشت و زرع نشده بود، از من پیروی کردی. بنابراین، بیایید در مورد رابطه زناشویی بین خدا و اسرائیل فکر کنیم. وقتی خداوند آنها را از مصر بیرون آورد و وقتی آنها را از بیابان عبور داد، پیامبر می‌گوید که این مانند زمان ماه عسل در ازدواج بود.

شما از خداوند پیروی کردید، از او اطاعت کردید، و ما شروع به فکر کردن در مورد سایر بخش‌های عهد عتیق می‌کنیم، و پاسخ ما به آن ممکن است این باشد که، آیا شوخی می‌کنید؟ زندگی در بیابان بین خدا و خداوند را به یاد دارید؟ آنها در خروج ۳۲، قبل از اینکه جزئیات پیمان بین خدا و اسرائیل حتی از کوه پائین آورده شود، گوساله طلایی را می‌پرستند. آنها در خروج ۲۰ تا ۲۴ تأیید می‌کنند و به خداوند می‌گویند که تحت آن پیمان زندگی خواهند کرد، اما اساساً قبل از اینکه ماه عسل حتی تمام شود، به خدا خیانت می‌کنند و این متن می‌گوید، خب، در واقع، وقتی آن را با زمان حال مقایسه می‌کنید، روشی که اسرائیل در بیابان به خدا پاسخ داد، مانند ماه عسل بود.

این می‌تواند نشان دهنده بی‌وفایی آنها در دوران خدمت ارمیا باشد. آنها مردمی سرسخت، سنگدل و سرکش بودند. آنها دائماً از خداوند نافرمانی می‌کنند.

آنها به دلیل نافرمانی خود به مدت ۴۰ سال در بیابان سرگردان می‌شوند. با این حال خداوند می‌گوید که من فداکاری دوران جوانی شما را به یاد دارم. اکنون، حزقیال نبی، در فصل ۲۰ کتاب خود، ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از تاریخ اسرائیل به ما ارائه می‌دهد.

او خواهد گفت، اساساً شما در تمام طول عمرتان بت پرستیده‌اید. شما در مصر بت می‌پرستیدید. شما همچنان در بیابان بت‌ها را می‌پرستید، و اساساً، این تاریخ آنهاست.

اما در ارمیا ۲، به عنوان بخشی از تصویر، به یاد دارم که زمانی تو مرا همانطور دوست داشتی که یک عروس شوهرش را دوست دارد. و من همیشه داستان شوهر و زن و زنی را تصور می‌کنم که همیشه کنار شوهرش در ماشین می‌نشست. آنها از هم دور و دورتر شده‌اند، اما شوهر به او یادآوری می‌کند که ببین، من کسی نیستم که نقل مکان کرده، تو این کار را کرده‌ای.

و به یک معنا، این همان چیزی است که خداوند به اسرائیل می‌گوید. حال، آیات و متون دیگری وجود دارند که مستقیماً از این استعاره خدا و اسرائیل به عنوان عروس استفاده می‌کنند. و نکته اصلی که این آیات می‌خواهند بگویند این است که اسرائیل به یک فاحشه تبدیل شده است.

آنها خیانت کرده‌اند. آنها مرتکب زنا شده‌اند. این لزوماً به این معنی نیست که آنها خود را برای رابطه جنسی فروخته‌اند، اما این ایده بی‌وفایی معنوی به خدا را منتقل می‌کند.

آیه ۲۰، با این حال، بر هر تپه‌ای و زیر هر درخت سبزی، مانند یک فاحشه سر تعظیم فرود آورده‌ای. آیه این را می‌گوید و تصویر را کمی فراتر می‌برد، چقدر خوب مسیر خود را به سوی جستجوی عشق هدایت ۳۳ می‌کنی، به طوری که حتی به زنان بدکار نیز راه‌های خود را آموخته‌ای. بسیار خوب، تو فقط یک فاحشه نیستی.

تو فقط به خداوند وفادار نیستی. تو واقعاً می‌توانی در این مورد کلاس برگزار کنی چون واقعاً در این کار مهارت داری. خداوند در فصل ۳، آیه ۲ خواهد گفت، یا در فصل ۳، آیه ۱، تو با معشوقان زیادی فاحشی کردی، و آیا پس از آن به سوی من بازخواهی گشت، این را خداوند اعلام می‌کند؟ اسرائیل فقط به خاطر خیانت گناهکار نبود، و آنها به خاطر خیانت‌های سریالی گناهکار بودند.

فصل ۳، آیات ۶ تا ۱۰، اسرائیل و یهودا خواهان بی‌وفایی هستند. و خداوند از قبل گواهی طلاق برای اسرائیل نوشته است. و به یک معنا، چون یهودا از آنچه خدا با اسرائیل کرد درس نگرفته است، یهودا از پادشاهی مرتد شمالی بدتر است.

فصل ۳، آیات ۱۹ تا ۲۱، یهودا به پسران بی‌وفا و همسران بی‌وفا تبدیل شده است. و بنابراین، هر دو تصویر نزدیکترین روابط خانوادگی ممکن، رابطه زن و شوهر، رابطه پدر و فرزندان، گاهی اوقات برای ما عجیب است که عهد عتیق چگونه این دو چیز را به هم پیوند می‌دهد، اما تأکید می‌کند که خداوند نزدیکترین رابطه ممکن را با قوم خود دارد و آنها به این رابطه وفادار نبوده‌اند. حال، همانطور که به پیامبران عهد عتیق نگاه می‌کنیم، این ایده اسرائیل به عنوان یک همسر بی‌وفا چیزی نیست که فقط در کتاب ارمیا بیابیم.

همچنین به شکلی بسیار برجسته، بخشی از پیام دو پیامبر دیگر عهد عتیق است. این موضوع در داستان و پیام و موعظه هوشع نبی بسیار برجسته است. زندگی خود هوشع، تاریخ اسرائیل را با خدا نشان می‌دهد و به تصویر می‌کشد.

او با همسری خیانتکار به نام گومر ازدواج می‌کند. اینکه آیا او قبل از ازدواج به او خیانت کرده یا بعد از ازدواج، موضوعی است که محققان در مورد آن اختلاف نظر دارند، اما در نهایت، آن رابطه از هم می‌پاشد. فرزندان که از آن ازدواج متولد می‌شوند، نشان‌دهنده قطع رابطه با خدا هستند، نام‌هایی که به او داده می‌شود، نه قوم من، من به آنها رحم نخواهم کرد.

اما هوشع در نهایت عاشق همسرش می‌شود، او را پس می‌گیرد و رابطه را دوباره برقرار می‌کند. این داستان اسرائیل و خداست. حزقیال فصل ۱۶ و حزقیال فصل ۲۳ نیز از تصاویر بسیار قدرتمندی از اورشلیم و یهودا و اسرائیل به عنوان عروس خدا استفاده خواهند کرد.

در نهایت، اینکه چگونه آنها در برابر او بی‌بندوباری و بی‌وفایی کرده‌اند، دوباره، به شکلی معنوی با پرستش بت‌ها، گاهی اوقات با استعاره‌ها و زبان تکان‌دهنده‌ای که ارمیا استفاده می‌کند، تو مانند حیوانی در حال جفت‌گیری هستی. در فصل دوم، آیه ۳۳، حتی بدترین زنان نیز می‌توانند از راه‌های تو درس بگیرند.

حزقیال نبی از تصاویری به همان اندازه گویا و واضح استفاده می‌کند. او به مردمی که در تبعید زندگی می‌کردند، یعنی قوم اسرائیل در ابتدا، می‌گوید که آنها مانند نوزادی بودند که در مزرعه‌ای رها شده بود. بند ناف آنها بریده نشده بود.

نوزاد از بدو تولد غرق در خون بود. والدینش او را رها کرده بودند. خدا این دختر بچه را پیدا کرد و او را دوست داشت و بزرگ کرد، و هر هدیه‌ای که می‌توانست به او داد.

سپس او را به عنوان عروس خود گرفت. سپس، پس از تمام چیزهایی که به او ارزانی داشته بود، پس از تمام راه‌هایی که در شکوه و جلال خود آنها را زیبا کرده بود، این زن علیه او برخاست و از زیبایی او و تمام چیزهایی که شوهر به او داده بود، استفاده کرد، چیزهایی که خداوند به اسرائیل داده بود تا بی‌وفا شود. او در هر گوشه خیابان، در هر مکان بلندی که خود را تبلیغ می‌کرد، بی‌بندوبار شد.

.حزقیال می‌گوید تفاوت بین مردم من و یک فاحشه این است که یک فاحشه برای خدماتش پول می‌گیرد مردم من در واقع به معشوق‌هایی که دنبال کرده‌اند پول پرداخت کرده‌اند. در روال عادی تجارت، کسانی هستند که به دنبال یک فاحشه می‌گردند.

اسرائیل، به عنوان یک فاحشه، به دنبال معشوقان خود بود. حزقیال نبی حتی اسرائیل یا سامره، اورشلیم و سدوم را به عنوان سه خواهر که هرزه و بی‌وفا بودند، مقایسه می‌کند. او می‌گوید یهودا بدتر است، اورشلیم از هر یک از خواهرانش بدتر است.

بنابراین همین نوع تصویرسازی گرافیکی که در ارمیا ظاهر می‌شود، قلب داستان هوشع است. این بخشی از موعظه حزقیال است. در فصل دوم، فکر می‌کنم برای ما بسیار مهم است که بفهمیم هدف دقیق استعاره ازدواج در کتاب ارمیا چیست.

این تصویر چه چیزی را منتقل می‌کند و ما از این تصویر چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟ این پیام اساسی کتاب ارمیا است. این اولین چیزی است که قرار است از پیامبر بخوانیم. بنابراین در اینجا مواردی وجود دارد که فکر می‌کنم استعاره ازدواج آنها را منتقل می‌کند.

اولاً، استعاره ازدواج بر عمق عشق خدا به اسرائیل تأکید دارد. ارمیا فصل ۳۱ آیه دوم، من تو را با عشقی جاودانه دوست داشته‌ام. یکی از آیات مورد علاقه من در کتاب ارمیا.

،خب، ما عمق آن عشق جاودان را در این واقعیت می‌بینیم که خداوند از نزدیک‌ترین رابطه انسانی ممکن یعنی خود ازدواج، رابطه بین یک مرد و یک زن، برای صحبت در مورد عشق خود به قوم اسرائیل استفاده می‌کند. در عهد جدید، خداوند عشق خود را به ما چگونه تصویر می‌کند؟ مسیح، به عنوان شوهر ما، به عنوان داماد ما، خود را برای عروسش فدا کرد. فرمانی که در افسسیان فصل پنجم به ما داده شده است این است که شوهران، همسران خود را همانطور که مسیح کلیسا را دوست داشت، دوست بدارید.

استعاره ازدواج در کتاب مقدس بین خدا و قومش، عمق و درجه عشق خدا به ما را بیان می‌کند. هر وقت مراسم ازدواج برگزار می‌کنم، یکی از قسمت‌هایی که دوست دارم به عنوان بخشی از مراسم بخوانم، در غزل غزل‌ها، فصل هشتم، آیه هفتم یافت می‌شود. و فکر می‌کنم متوجه می‌شویم که غزل غزل‌ها چند نکته در مورد عشق و ازدواج و زیبایی همه اینها برای گفتن دارد.

اما در غزل غزل‌های سلیمان، فصل هشتم، آیه هفتم، عبارتی در مورد عشق زناشویی وجود دارد. این عبارت می‌گوید: آب‌های بسیار نمی‌توانند عشق را خاموش کنند. سیل‌ها نیز نمی‌توانند آن را خاموش کنند.

اگر مردی تمام ثروت خانهاش را در ازای عشق ارائه دهد، به خاطر آن کاملاً تحقیر خواهد شد. و من به زوجها می‌گویم، همانطور که ازدواج می‌کنم، دعا می‌کنم که شما در خانه و زندگی‌تان این نوع عشق را بشناسید. اینکه این برای شما از هر ثروتی، از هر دارایی‌ای ارزشمندتر است.

هیچ چیز نمی‌تواند این نوع عشق را خاموش کند. عشق واقعی زناشویی یعنی همین. دعا می‌کنم که آنها به عنوان یک زوج، این را تجربه کنند.

اما اگر عشق زناشویی اینگونه است، و کتاب مقدس از استعاره ازدواج خدا با قوم خود یا مسیح استفاده می‌کند، ما عروس او هستیم. و او بر روی صلیب مرد تا بتواند ما را بشوید، ما را پاک کند و خالص سازد. این به شیوه‌ای بسیار قدرتمند از عمق عشق خدا صحبت می‌کند.

دومین چیزی که به ما یادآوری می‌کند این است که استعاره ازدواج در عهد در اسرائیل، انحصاری بودن رابطه عهد را به ما یادآوری می‌کند. خدا انتظار دارد که اسرائیل کاملاً منحصرأ به او اختصاص داده شود. تثنیه فصل شش، آیات چهار و پنج.

معیار پیمانی که خداوند پیش روی قوم اسرائیل قرار می‌دهد چیست؟ شما باید خداوند را با تمام قلب، تمام ذهن و تمام قدرت خود دوست داشته باشید. هر ذره از وجودتان باید منحصرأ وقف خدا باشد. این امر امکان ورود چیز یا شخص دیگری را به آن رابطه نمی‌پذیرد.

تثنیه فصل ۱۳. تو نباید هیچ خدای دیگری غیر از من داشته باشی. هیچ چیزی وجود ندارد که بتواند با خدا به عنوان رقیب رقابت کند.

و بنابراین، کل استعاره ازدواج بر انحصاری بودن رابطه تأکید دارد. گاهی اوقات از دانش‌آموزانم می‌خواهم که فکر کنند، از آنها می‌خواهم که در مورد این موضوع فکر کنند. آیا تا به حال به بردن بهترین دوستتان به ماه عسل فکر کرده‌اید؟ این کار معمولاً پذیرفته نمی‌شود زیرا در آن زمان شما منحصرأ وقف شده‌اید، به شوهرتان، به عروستان و از رابطه جدیدی که وارد آن شده‌اید لذت می‌برید.

رابطه‌ای که خدا با بنی‌اسرائیل داشت، این بود که آنها منحصرأ به او وفادار باشند. و آنچه که ما دائماً در عهد عتیق می‌بینیم این است که بنی‌اسرائیل با پرستش بت‌ها، معمولاً رابطه خود را با خداوند از دست نمی‌دهند. آنها به شیوه‌ای تلفیقی، سعی می‌کنند این خدایان دیگر را نیز وارد کنند.

هی، بیایید مطمئن شویم که از تمام پایه‌هایمان پوشیده شده‌ایم. خدا می‌گوید که می‌خواهد قومش منحصرأ به او وفادار باشند. حال، اگرچه چندهمسری در عهد عتیق یک واقعیت بود، اما در آن فرهنگ چیزی بود که خدا تحمل می‌کند و در شریعت موسی با آن کنار می‌آید و آن را تنظیم می‌کند. به یاد داریم که با بازگشت به فصل دوم پیدایش، طرح اولیه خدا برای ازدواج این است که یک مرد و یک زن به عنوان یک تن به هم بپیوندند و این رابطه در تمام طول زندگی آنها وجود داشته باشد.

این طرح خدا برای ازدواج در سطح انسانی است. در سطح معنوی، طرح خدا این است که هیچ چیز دیگری در زندگی وجود نداشته باشد که هرگز جای خداوند را بگیرد. هیچ چیز در زندگی ما، چه چیزی که خود را به آن می‌سپاریم، چه چیزی که به آن اعتماد داریم، چه چیزی که دوست داریم، چه چیزی که به آن خدمت می‌کنیم، وجود ندارد که بتواند با او رقابت کند یا رقیبی برای او باشد.

گناه بت‌پرستی، از میان تمام نافرمانی‌های عهدی که اسرائیل می‌توانست به خدا ارائه دهد، به نظر من گناه بت‌پرستی شدیدترین بود، زیرا گناه وفاداری و بی‌وفایی بود که باعث این گناهان دیگر شد. بنابراین، اولاً استعاره ازدواج بر عمق عشق خدا تأکید می‌کند. ثانیاً، انحصاری بودن این رابطه.

سوم، در بافت خاور نزدیک باستان، استعاره ازدواج، وابستگی اسرائیل به خداوند به عنوان شوهر را منتقل می‌کند. حال، ازدواج در فرهنگ ما در مقایسه با آنچه در دوران عهد عتیق بود، کاملاً متفاوت است. چیز بسیار بیشتری وجود دارد، نوعی رابطه برابری طلبانه وجود دارد که ما به عنوان زن و شوهر وارد آن می‌شویم.

اما در فرهنگ خاور نزدیک باستان، زن تقریباً از هر نظر به شوهر وابسته بود. شوهر وسیله امرار معاش او بود. او زندگی او بود.

در فرهنگ عهد عتیق به طور کلی، شوهر در آن ازدواج از حقوق و امتیازاتی برخوردار بود که لزوماً در مورد زن صادق نبود. حال، آن جنبه خاص از ازدواج لزوماً توسط کتاب مقدس تأیید نشده است، اما همانطور که پیامبران از این استعاره از خدا به عنوان شوهر اسرائیل استفاده کردند، در آن فرهنگ خاص یادآوری می‌کند که در اینجا به نوعی رابطه نابرابر وجود دارد. اسرائیل به خدا وابسته است و آنها به او نیاز دارند. همانطور که یک زن در چارچوب خاور نزدیک باستان به شوهرش نیاز داشت.

چهارم، به نظر من، استعاره ازدواج برای ما جدیت و شرم‌آور بودن گناه اسرائیل را برجسته خواهد کرد. و این بخشی از این تصویرسازی گرافیکی است. چرا پیامبر آنها را متهم می‌کند که مانند یک حیوان در حال جفت‌گیری هستند؟ چرا پیامبر این چیزهای تکان‌دهنده را می‌گوید؟ شما پاهایتان را زیر هر درخت یا در هر مکان مرتفعی در شهر دراز کرده‌اید.

می‌توانم تصور کنم که اگر ما به عنوان یک کشیش وارد کلیسا می‌شدیم و این نوع اظهارات را امروز در کلیسا مطرح می‌کردیم، ممکن بود خیلی خوب مورد استقبال قرار نگیرد. خوب، آنها سعی داشتند چه کاری انجام دهند؟ آنها سعی داشتند به این افراد کمک کنند تا شدت گناه خود را درک کنند. آنها این رابطه ویژه و مقدس را نقض کرده‌اند.

و نکته شگفت‌انگیز این است که به جای اینکه خدا فقط از این بابت عصبانی باشد، که بدیهی است که همینطور است، خداوند غم شوهری را که توسط شریک زندگی‌اش مورد خیانت قرار گرفته است، نیز احساس می‌کند. و من به عنوان یک کشیش می‌دانم، دردناک‌ترین لحظاتی که تا به حال با مردم گذرانده‌ام، زمان‌هایی است که کسی در یک رابطه زناشویی، چه زن و چه شوهر، آن اعتماد را از بین برده است، صرف نظر از شرایط یا هر چقدر هم که یکدیگر را دوست داشته باشند یا بخواهند آن رابطه را دوباره برقرار کنند، دردی در این نوع چیزها وجود دارد که هیچ تجربه دیگری در زندگی مانند آن نیست. و بنابراین، ایده اسرائیل به عنوان یک فاحشه این را منتقل می‌کند که گناه فقط شکستن قانون خدا نیست.

به یک معنا، گناه شکستن قلب خداست. و خداوند این درد و این غم را به خاطر کاری که همسرش با او کرده است، کاری که شریک زندگی‌اش با او کرده است، احساس می‌کند. هوشع ۲، آیات ۵-۷، و من این را می‌خوانم، می‌دانید، خدا و اسرائیل، اما به عنوان یک شوهر به این فکر می‌کنم که هنگام خواندن این متن چه احساسی دارم.

هوشع می‌گوید که اسرائیل هدایای خوبی را که خداوند به آنها داده بود دریافت کرد: زمین، شراب، غلات، همه آن نعمت‌ها. و کاری که در نهایت انجام دادند این بود که آن هدایا را نه به خدا، بلکه به بعل نسبت دادند. و عشق و ارادت خود را به بعل ابراز کردند و گفتند: ببینید بعل به عنوان شوهر ما چگونه ما را برکت داده است.

حالا، به عنوان یک شوهر، مثل این است که من همسرم را برای شام بیرون ببرم و برایش گل رز بخرم، و او همسایه بغلی‌مان را برای شام دعوت کند تا از او به خاطر این کار تشکر کند، این دقیقاً همان کاری است که قوم اسرائیل با خداوند انجام داده بودند. و من فکر می‌کنم هر شوهری که در آن جمع بود و آن پیام را

می‌شنید، دردی را که خداوند احساس می‌کرد، احساس می‌کرد. در فرهنگی که آبرو و شرمساری حکمفرما بود، زنان همان شرمی را که به برچسب فاحشه نسبت داده می‌شد، احساس می‌کردند.

و این فقط چیزی نبود که خدا در مورد زنان آن فرهنگ می‌گفت؛ این چیزی بود که همه مردم باید خود را در آن موقعیت قرار می‌دادند. همانطور که هر شوهری، به یاد داشته باشید، آنها کسانی هستند که پیامبر در درجه اول با آنها صحبت می‌کند، زیرا آنها هستند که تصمیماتی را می‌گیرند که مسیر ملت را تعیین می‌کند. هر شوهری در آن جامعه نه تنها باید خود را جای خدا بگذارد، بلکه باید خود را جای زن هوسبازی بگذارد که به خداوند خیانت کرده است.

و این چیز دردناکی خواهد بود. من فکر می‌کنم ایده زنا، فحشا و بی‌بندوباری جنسی، تصویر و تصویری بسیار مؤثر برای گناهان اسرائیل نیز بود، زیرا بت‌پرستی آنها، همانطور که خدایان کنعانی را می‌پرستیدند، اغلب شامل آیین‌های باروری می‌شد که شامل بی‌بندوباری جنسی و بی‌بندوباری جنسی می‌شد. چیزهایی که خدا هرگز برای بخشی از پرستش اسرائیل در نظر نگرفته بود.

در واقع من معتقدم که همانطور که خدا در حال برپا کردن خیمه و معبد بود، اقداماتی را انجام داد تا مطمئن شود که این اتفاق نخواهد افتاد. این بخشی از پرستش آنها بود، این آیین‌های باروری جنسی، این انحراف، که به اجرا درآمده بود. و بنابراین استفاده از تصویر فحشا به معنای واقعی کلمه نشان می‌دهد که یهودا در هر تپه سرسبز، در این مکان‌های مرتفع، همانطور که این خدایان بت‌پرست را می‌پرستیدند، مرتکب فساد جنسی می‌شدند.

پنجمین چیزی که استعاره ازدواج به ما منتقل می‌کند این است که شدت داوری‌ای را که خداوند در نتیجه این گناه به ارمغان خواهد آورد، به ما یادآوری می‌کند. در کتاب ارمیا، خداوند از گناه قومش خشمگین می‌شود. و در فصل ۲۳، آیه ۲۰، خشم خداوند تا زمانی که هر آنچه را که می‌خواهد به انجام نرساند، فروکش نخواهد کرد.

ارمیا ۲۲:۱۳، خشم شدید خداوند بر قوم نازل خواهد شد. و ارمیا می‌گوید: «من از خشم و غضب خدا لبریز شده‌ام، زیرا خدا از گناه قومش خشمگین است و واکنش او زمانی قابل توجه است که شدت گناه را درک کنیم. واکنش خدا، قلب شکسته خدا، خشم خدا، و سپس روش‌های خاصی که او برای داوری قوم در نظر گرفته است، با توجه به آنچه آنها انجام داده‌اند و گناهی که مرتکب شده‌اند، کاملاً موجه است.»

هر شوهری که این پیام را می‌شنید، این را درک می‌کرد. در عهد عتیق، در قانون عهد عتیق و در قانون خاور نزدیک باستان، زنا اغلب جرمی سنگین بود. کسانی که در این کار مجرم شناخته می‌شدند، می‌توانستند آن را مجازات کنند و به مرگ محکوم کنند.

این یک جرم بزرگ بود. از سوی دیگر، مواقعی وجود داشت که شوهر ممکن بود زن را با نوعی تنبیه بدنی مجازات کند. این استعاره و تصویر از اسرائیل به عنوان یک همسر بی‌وفا و خدا به عنوان یک شوهر عصبانی که به او خیانت شده و خدا در نتیجه آن با خشم پاسخ می‌دهد، فقط در ابتدای کتاب نیست.

این موضوع در کل کتاب به خودی خود بررسی خواهد شد. و ما به فصل ۱۳ می‌رویم. به آیات ۲۴ تا ۲۷ نگاه می‌کنیم.

و این یکی از نگران‌کننده‌ترین قسمت‌های کتاب ارمیا است. راستش را بخواهید، در فرهنگ و شرایط ما، حتی خواندن این آیات هم کمی ناراحت‌کننده است. اما این چیزی است که خداوند می‌گوید.

آیه ۲۴: من شما را مانند گاهی که از بیابان در برابر باد رانده می‌شود، پراکنده خواهم کرد. این است نصیب شما. خداوند می‌گوید: سهمی که برای شما تعیین کرده‌ام، زیرا مرا فراموش کرده‌اید و به دروغ اعتماد کرده‌اید.

به یاد داشته باشید، خداوند در این مورد شوهری است که به او خیانت شده است. و او در آیه ۲۶ می‌گوید، من خودم دامن‌هایت را روی صورتت بالا خواهم کشید و شرمساری تو دیده خواهد شد. من اعمال زشت، زناها و نام‌های تو، و فاحشگی‌های شهوانی تو را بر تپه‌ها و مزارع دیده‌ام.

وای بر تو، اورشلیم قدیمی. چقدر طول خواهد کشید تا پاک شوی؟ و بنابراین، در فرهنگ خاور نزدیک باستان، خدا زنا را به شیوه‌ای بسیار مناسب مجازات می‌کند. او آنها را به مکانی عمومی می‌برد.

او همسرش را برهنه می‌کند و او را در معرض دید قرار می‌دهد تا همه بتوانند شرم او را ببینند. و باز هم صادقانه بگویم، همانطور که این را در فرهنگ و زمینه خودمان می‌خوانم، خواندن آن دردناک است. به عنوان یک کشیش، و حتی در اینجا که در حال تدریس این جلسه هستم، باید نسبت به نحوه انعکاس این موضوع با توجه به مشکل همسرآزاری که در فرهنگ ما وجود دارد، حساس باشم.

منتقدان فمینیست با خواندن این بخش از کتاب مقدس، اغلب عمیقاً از آن نگران بوده‌اند، و باز هم، این موضوع قابل درک است. مطالعاتی وجود دارد که به طور خاص بر بخش‌هایی مانند ارمیا ۲، ارمیا ۱۳ حزقیال ۱۶، حزقیال ۲۳ و کتاب ناحوم تمرکز دارند، که در آنها شهر نینوا به عنوان زنی توصیف شده است که خداوند قرار است او را برهنه کرده و مجازات کند. و آنها از این به عنوان زبان پیشگویی پورنو، یعنی تصویری که در آنجا وجود دارد، یاد کرده‌اند.

مطالعاتی وجود داشته که خدا را به عنوان یک متجاوز الهی معرفی کرده‌اند. او یک متجاوز جنسی است. او یک شوهر بدرفتار است.

و با توجه به مشکل مداوم زنان بدرفتار و اینکه این موضوع در جامعه ما چگونه مطرح است، دوباره فکر می‌کنم باید مراقب باشیم که چگونه این موضوع را آموزش می‌دهیم و چگونه این ایده درباره خدا را از عهد عتیق بیان می‌کنیم. باید به یاد داشته باشیم که پیامبران در یک فرهنگ باستانی خاور نزدیک، در یک زمینه باستانی خاور نزدیک صحبت می‌کنند. جنبه‌هایی از کتاب مقدس وجود دارد که وابسته به زمان هستند.

باز هم، این [موضوع] از آسمان نازل نشده است. و بازتابی از فرهنگ آن روز است که در آن مجازات فیزیکی زن، حتی گاهی اوقات اعدام، انجام می‌شد. بنابراین، ما این را درک می‌کنیم.

اما در عین حال، می‌خواهم این را هم درک کنیم که با زبان استعاری سروکار داریم. و فکر می‌کنم گاهی اوقات در پاسخ‌ها و واکنش‌های منتقدان فمینیست به این بخش‌ها، فکر می‌کنم گاهی اوقات آنها این ایده را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. این تصویرسازی قطعاً برای ما نگران‌کننده است، اما من معتقد نیستم که وظیفه ما در اینجا نجات کتاب مقدس باشد.

من معتقدم وظیفه ما در اینجا گوش دادن به آنچه این استعاره می‌گوید، است. در این زمینه که خدا را به عنوان شوهری به تصویر می‌کشیم که قصد دارد همسرش را مجازات کند، به ما یادآوری می‌شود که هدف اصلی ارمیا از بیان این موضوع چه بوده است. خدا این چیزها را به مردم می‌گوید تا توبه کنند و راه خود را تغییر دهند.

و بله، کتاب مقدس از تصاویر بسیار واضح، وحشتناک و خشونت‌آمیزی برای بیان این موضوع استفاده می‌کند. اما در نهایت، هدف خدا اجرای این نوع مجازات نبود. هدف از این زبان، امیدوارانه این بود که یهودا را از گناهانشان برگرداند تا از آن در امان بمانند.

به معنای واقعی کلمه، من فکر می‌کنم پیامبران نیز واقع‌بین هستند، زیرا از این تصویرسازی مربوط به رفتار با زنان استفاده می‌کنند. در جنگ، همانطور که بابلی‌ها قصد حمله به سرزمین را داشتند، زنان کسانی بودند که از فرزندان خود محروم می‌شدند. آنها کسانی بودند که شوهران خود را از دست می‌دادند.

آنها کسانی بودند که مورد تجاوز و آزار جسمی قرار می‌گرفتند. آنها کسانی بودند که اغلب به عنوان اسیر برای ازدواج با دشمنانشان برده می‌شدند. و بنابراین، همانطور که پیامبر از این تصویرسازی گرافیکی استفاده می‌کند، این استعاره‌ها طوری طراحی شده‌اند که بگویند، داوری اینگونه خواهد بود.

خداوند از این موضوع لذت نمی‌برد. خداوند از این موضوع خوشحال نمی‌شود. خداوند از این تصویرسازی قدرتمند استفاده می‌کند تا مردم را به واکنش وادارد، از گناه خود رویگردان کند و داوری را تا حد امکان وحشتناک جلوه دهد تا در نهایت، آنها به هشدارها پاسخ دهند.

بنابراین، من معتقدم که باید ماهیت استعاری آن را درک کنیم. باید دلایل بلاغی استفاده از این عبارت را در نظر بگیریم. و باید آن را با این واقعیت متعادل کنیم که با نگاه به سایر بخش‌های عهد عتیق، به ما یادآوری می‌شود که خداوند توجه ویژه‌ای به مظلومان و نیازمندان دارد.

و به خصوص وقتی صحبت از زنانی می‌شود که مورد ظلم یا آزار و اذیت قرار می‌گیرند یا به آنها توجه نمی‌شود، خداوند به این موقعیت‌ها پاسخ می‌دهد. در پیدایش فصل ۲۱، که واقعاً زیباست، و با دلسوزی‌ای که در آنجا نشان داده شده، بسیار تأثیرگذار است، خداوند فریاد هاجر را می‌شنود وقتی ابراهیم و سارا او را از خود رانده‌اند. و او از هاجر و پسرش اسماعیل آگاه است.

در تثنیه فصل ۱۰، آیه ۱۸، به ما یادآوری می‌شود که خداوند عدالت را برای یتیمان و بیوه‌زنان اجرا می‌کند. و در سراسر خاور نزدیک باستان، این یک آرمان بود. یک پادشاه عادل از فقرا و نیازمندان مراقبت می‌کند.

و اگر خداوند پادشاهی عادل است، این کار را خواهد کرد. تثنیه، فصل ۲۰، آیات ۱۵ تا ۱۸، به ما یادآوری می‌کند که در روال عادی جنگ، اسرائیل نباید علیه غیرنظامیان مرتکب اعمال خشونت‌آمیز می‌شد. و این شامل زنان نیز می‌شد.

و در نهایت، در تثنیه ۲۱ آیات ۱۴ تا ۱۸، چیزی که کسی به آن به عنوان کاری که اسرائیل هنگام اسیر کردن اسرای جنگی بسیار داغ انجام می‌دهد اشاره کرده است، به اسرائیل یادآوری شد که زنان در جنگ به عنوان اسیر گرفته می‌شدند، حتی اگر قرار بود با آنها با عزت رفتار شود و به آنها فرصت داده شود تا به سوگواری، شوهرانشان و از این قبیل چیزها پردازند. بنابراین، استعاره‌هایی که در کتاب ارمیا می‌بینیم هرگز برای تأیید توجیه، بهانه یا توجیه شوهری که هرگز از همسرش سوءاستفاده می‌کند یا با او به هر طریق فیزیکی بدرفتاری می‌کند، طراحی نشده‌اند. همچنین به ما یادآوری می‌شود که همانطور که خدا در زمینه جنگ مردم را داوری می‌کند، ممکن است از این دشمنان برای اجرای داوری خود استفاده کند، اما در سطح انسانی، این داوری‌ها هرگز کاملاً عادلانه نخواهند بود.

یک عدالت نهایی وجود دارد که در نهایت خداوند باید آن را اجرا کند، و خداوند از موقعیت‌های بسیار ناعادلانه‌ای استفاده می‌کند، و استعاره این زنانی که قرار است مورد آزار و اذیت و آسیب قرار گیرند و تمام اتفاقاتی که قرار است برایشان بیفتد، واقعیت و وحشت آن داوری را منتقل می‌کند. خشم الهی چیز دشواری

است. بنابراین، در فرهنگ ما، کنار آمدن با این بخش از کتاب ارمیا دشوار است، و من احساس کردم که پرداختن به آن مهم است.

اما فراتر از این، فکر می‌کنم مسئله‌ی مهم‌تری در فرهنگ ما وجود دارد که باید هنگام بررسی این موضوع به آن فکر کنیم. فکر می‌کنم بخشی از مقاومت ما فقط در برابر ایده‌ی سوءاستفاده‌ی همسر از همسر نیست بلکه فکر می‌کنم یکی از دلایلی که این تصاویر ما را آزار می‌دهد این است که، در کل، ما در برابر ایده‌ی خدای مقدسی که از گناه متنفر است، مقاومت می‌کنیم. و این واقعیت که گناه و نافرمانی ما و کفر و بت‌پرستی ما، و به یاد داشته باشید که کالوین گفت قلب‌های ما کارخانه‌ی بت‌سازی است، همه ما بت‌پرست هستیم، و این ما را تحت خشم و داوری خدا قرار می‌دهد.

این هفته داشتم یک وبلاگ مسیحی بسیار محبوب را می‌خواندم، و نظرات و بلاگ در مورد توهین‌آمیز بودن هر نوع ایده‌ای یا اینکه چقدر تحقیرآمیز است که متکلمان بگویند ما لایق عشق خدا نیستیم، بحث می‌کرد اما کتاب مقدس به ما یادآوری می‌کند که ما لایق عشق خدا نیستیم، و خدا عشق خود را نه به خاطر آنچه که ما شایسته آن هستیم، بلکه به خاطر رحمت و لطف خود به ما ارزانی داشته است. و وقتی خشم خدای مقدس و این واقعیت را که خدا، در خشم خود، اجازه می‌دهد این اتفاقات رخ دهد، درک کنیم، او از بابلی‌ها برای وارد کردن این نوع تحقیر به قوم اسرائیل استفاده خواهد کرد.

وقتی شدت خشم الهی را درک کنیم، می‌توانیم عظمت عشق خدا، رحمت خدا و شفقت خدا را درک کنیم. ما با از بین بردن خشم و غضب خدا، او را به خدای عشق بزرگتری تبدیل نمی‌کنیم. به یک معنا، فکر می‌کنم عشق او را تضعیف می‌کنیم.

حالا، در نهایت، آخرین چیزی که فکر می‌کنم از استعاره ازدواج به ما یادآوری می‌شود، و ما به برخی از نکات منفی در اینجا نگاه کردیم، اما همانطور که به پایان می‌رسیم، استعاره ازدواج در پیامبران، عشق و تعهد پایدار خدا به قومش را به ما یادآوری می‌کند. وقتی خشم و نفرت خدا را از گناه می‌بینید، می‌توانید به جایی برسید که واقعاً از رحمت و لطف او قدردانی کنید. و همان خدایی که قرار است همسر سرکش خود را مجازات کند، همان خدایی است که در نهایت او را به حالت اول برمی‌گرداند.

به یاد داشته باش، خدا می‌گوید، من تو را با عشقی جاودان دوست داشته‌ام. عشق و تعهد من به تو ابدی است. و بر این اساس، خدا نمی‌تواند اسرائیل را رها کند.

خدا نمی‌تواند از دوست داشتن او دست بردارد. اگر عشق خدا عشقی ابدی است، هیچ چیز نمی‌تواند باعث شود ما یا هیچ چیز نمی‌تواند باعث شود خدا ما را بیشتر دوست داشته باشد. همچنین هیچ چیز نمی‌تواند باعث شود خدا ما را کمتر دوست داشته باشد.

بنابراین، به یاد داشته باشید که این تعهد پایدار در کتاب هوشع وجود دارد، که کتابی در مورد مجازات خدا برای همسر بی‌وفایش است. خداوند در هوشع فصل ۱۱، آیات ۸ و ۹ می‌گوید، ای افرایم، چگونه می‌توانم از تو دست بکشم؟ انگار باید عدالت و خشم و غضب خود را علیه تو اجرا کنم. من باید این حکم را اجرا کنم.

جنبه‌ی عدالت‌خواهی شخصیت من این را ایجاب می‌کند. اما من تو را هم دوست دارم. چگونه می‌توانم از تو دست بکشم؟ و سپس در آیه‌ی ۹ می‌گوید، به همین دلیل، تمام خشم و غضب خود را علیه تو به کار نخواهم گرفت.

من قرار نیست تو را کاملاً از بین ببرم یا نابودت کنم. و ما به جایی رسیده‌ایم که این سوال را می‌پرسیم، چرا؟ چطور خدا می‌تواند قوم خود را با وجود صدها و صدها سال بی‌وفایی، تا این حد دوست داشته باشد؟

،مواقعی بوده که زوجها برای ازدواج به من به عنوان کشیش مراجعه کرده‌اند. و اگر مستقیماً از آنها نپرسم، در ذهنم از آنها خواهم پرسید، چه چیزی تا به حال شما را به ازدواج با این شخص سوق داده است؟ خوب قطعاً می‌توانیم این را در مورد خدا در اسرائیل یا در مورد مسیح در کلیسا بپرسیم.

اما خداوند می‌گوید که من به قوم خود تعهدی پایدار دارم. و بنابراین، در عهد عتیق، واقعیت طلاق خدا از همسرش وجود دارد. ارمیا فصل ۳، من قصد دارم به او گواهی طلاق بدهم.

من قبلاً این را نوشته‌ام. من قبلاً آن را به مردم اسرائیل داده‌ام. همین اتفاق قرار است برای یهودا هم بیفتد.

اما این وعده نیز وجود دارد که طلاق فقط موقتی است. قطع رابطه محدودیت زمانی دارد. و بنابراین، وقتی به اشعیا نبی می‌رسیم، اشعیا نبی می‌گوید، گواهی طلاق که علیه مادرت دادم کجاست؟ دیگر آنجا نیست زیرا خدا قرار است قوم خود را پس بگیرد.

در اشعیا ۵۴، زن نازا که تنها، بیوه و بی‌فرزند است، دوباره عروس پاک خدا خواهد شد. و او آنقدر فرزند خواهد داشت که شهر اورشلیم قادر به نگهداری او نخواهد بود. در اشعیا ۶۲، به اسرائیل نام جدیدی داده می‌شود زیرا خدا او را به عنوان عروس خود خواهد گرفت.

رابطه با هوشع، زمانی که او می‌رود و همسرش را پس می‌گیرد، تصویری از چگونگی احیای نهایی اسرائیل توسط خداوند است. و می‌خواهم این درس را با آیه‌ای از ارمیا، فصل ۳۱، آیه ۲۲، به پایان برسانم. به یاد داشته باشید، طرح کلی کتاب این است که فقط درباره یک همسر بی‌وفا نیست.

این فقط مربوط به یک ازدواج از هم پاشیده نیست. این مربوط به بازگرداندن آن رابطه توسط خداوند است. و در فصل ۳۱، آیه ۲۲، این را می‌گوید: خداوند چیز جدیدی بر روی زمین آفریده است.

زنی دور مردی حلقه زده است. بحث‌های زیادی در مورد معنای این آیه وجود داشته است. کلیسای اولیه این را به عنوان اشاره‌ای به تولد عیسی از باکره تفسیر کرد.

،من معتقدم منظور این است که به نوعی، همانطور که خدا کار بازآفرینی و بازسازی خود را انجام می‌دهد، زن، اسرائیل، قرار است احاطه کند. او قرار است در آغوش بگیرد. او قرار است به شوهرش بچسبد.

و همچنان که خدا او را تغییر می‌دهد و دگرگون می‌کند، او کاملاً به خدا وفادار خواهد ماند. و آن ازدواج بین خدا و قومش در نهایت همان چیزی خواهد بود که خدا برای آن طراحی کرده است. داستانی در کتاب ارمیا وجود دارد.

آن داستان از فصل ۲ آغاز می‌شود. این داستان یک ازدواج از هم پاشیده است. اما کتاب ارمیا در کل در نهایت در مورد چگونگی احیای آن ازدواج توسط خداوند و بازگرداندن قومش به سوی خود است.

،این دکتر گری یتس در دستورالعمل خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۸، ارمیا ۲-۳، استعاره ازدواج خدا و اسرائیل است.